



شهید محمود کاوه

شهید مهدی زین الدین

شهید ابراهیم همت

شهید محمد پروجرهی

شهید محسن خرازی

شهید محمد جهان آرا

شهید مهدی باکری



اسامی زیر را یک بار مرور کنید :

قابیل، أبرهه، اسکندر مقدونی، چنگیزخان مغول، هیتلر، صدام، جرج بوش!

این نام‌ها شما را به یاد چه موضوعی می‌اندازد؟

با نگاهی گذرا به تاریخ می‌بینیم که هرگاه انسان‌های بی‌ایمان و زیاده‌خواه به قدرتی دست می‌یابند، خیلی زود به جنگ و تجاوز روی می‌آورند و برای تسلط بر جان و مال ملت‌های دیگر به کشتار مردم بی‌گناه می‌پردازند.

این گروه — که در فرهنگ اسلام باطل نامیده می‌شوند — همواره بیشترین دشمنی را با حق دارند، چرا که می‌دانند در این نبرد همیشگی، مؤمنان به هیچ قیمتی در برابر آنها تسلیم نخواهند شد. به همین دلیل یاران شیطان همواره منتظر فرصتی هستند تا حق را برای همیشه از میان بردارند و راه را برای چپاول ملت‌های ضعیف هموار سازند.

به نظر شما وظیفه مؤمنان در این زمان‌ها چیست؟



جهاد در اسلام

کلمه جهاد در زبان عربی به معنای تلاش و کوشش است، اما برای این کلمه در فرهنگ اسلامی معنای دیگری نیز وجود دارد : مبارزه (جنگ) مسلحانه با دشمنان اسلام.

جهاد در راه خدا در دین اسلام از چنان اهمیتی برخوردار است که حدود یکصد آیه از آیات قرآن کریم را به خود اختصاص داده است.





خداوند بزرگ دربارهٔ این عبادت ارزشمند در قرآن می‌فرماید :

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ	خداوند از مؤمنان، جان‌ها و
أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ	اموالشان را خریداری کرد
بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ	تا [در برابرش] بهشت برای آنان باشد
يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ	[بنابراین آنان نیز] در راه خدا پیکار می‌کنند،
فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ	می‌کشند و کشته می‌شوند.
وَعَدًا عَلَيْهِ حَقًّا	این [موضوع] وعدهٔ حقّ خداوند در
فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ	تورات و انجیل و قرآن است
وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ	و چه کسی از خدا به عهدش وفادارتر است؟!
فَأَسْتَبْشِرُوا بَبَيْعِكُمُ الَّذِي	پس بشارت باد بر شما، به داد و ستدی که با خدا
بَايَعْتُمْ بِهِ	کرده‌اید
وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ. ^۱	و این است آن پیروزی بزرگ!



در آیهٔ بالا خداوند جهاد را به یک داد و ستد تشبیه کرده است. به نظر شما در این داد و ستد، خریدار کیست؟ فروشنده‌گان چه کسانی هستند؟ چه کالایی مورد معامله قرار گرفته است؟ بهای این کالا چیست؟

کسی که با دستور خداوند به جهاد با دشمنان برمی‌خیزد، همواره پیروز است؛ زیرا اگر دشمن را شکست دهد و خودش سالم به میهن بازگردد، علاوه بر افتخار و سربلندی، مغفرت و پاداش بزرگ خداوند نیز در انتظار اوست و اگر در جنگ با دشمن شهید شود، به مقامی دست می‌یابد که نزد خداوند با هیچ مقام دیگری قابل مقایسه نیست؛ بنابراین جهاد در راه خدا مبارزه‌ای است که هرگز شکست ندارد.

۱- سورة توبه، آیه ۱۱۱.

انواع جهاد

۱- جهاد دفاعی: وقتی کشور اسلامی مورد حمله دشمنان قرار می‌گیرد، بر همه مسلمانان -مرد و زن، پیر و جوان- واجب است با آنچه در توان دارند، به دفاع از کشور اسلامی برخیزند و دشمن را از سرزمین خود بیرون کنند. جنگ‌های احد و احزاب در صدر اسلام، نمونه‌هایی از جهاد دفاعی مسلمانان در آن زمان هستند.

دشمنان که می‌دانند دین اسلام همواره باعث بیداری و اتحاد مردم در برابر ظالمان و غارتگران بوده است، برای اینکه بتوانند ملت‌های دیگر را همیشه اسیر خود قرار دهند، پیش از هر چیز نقشه نابودی اسلام را در سر می‌پروراندند. از این رو، هرگونه سستی و کوتاهی در دفاع از میهن اسلامی، گناهی نابخشودنی خواهد بود و عذاب الهی را در پی خواهد داشت.

توجه داشته باشیم که دشمنان برای شکستن مقاومت مسلمانان تلاش می‌کنند تا چهره بدی از جهاد در راه خدا نشان دهند. آنها به دروغ مسلمانان را به خشونت‌طلبی و جنگ‌افروزی متهم می‌کنند، درحالی‌که خودشان با به راه انداختن جنگ‌های بزرگ (مانند جنگ‌های جهانی اول و دوم و ده‌ها جنگ دیگر در افغانستان، عراق، سوریه، فلسطین، یمن، لبنان و...) میلیون‌ها انسان بی‌گناه را به خاک و خون کشیده‌اند و هر روز شعله جنگ‌های جدیدی را در دنیا برمی‌افروزند.

آمریکا، اسرائیل و برخی از کشورهای غربی برای تکمیل نقشه خود و هرچه زشت نشان دادن چهره اسلام و جهاد در راه خدا به سراغ برخی از مسلمانان نادان و تندرو می‌روند و با دادن وعده قدرت و ثروت به آنها سعی می‌کنند به اسم اسلام، جنگ‌هایی را در کشورهای اسلامی به راه بیندازند و مسلمانان را مظهر خشونت نشان دهند. درحالی‌که این افراد نه اسلام را به درستی می‌شناسند و نه رنگ و بویی از پیامبر اسلام، حضرت محمد ﷺ که مظهر عظوفت و مهربانی است برده‌اند.

جنگ هشت ساله کشور ما یکی از نمونه‌های جهاد دفاعی است. جهادی که در آن مردان و زنان بسیاری با ایستادگی و از جان گذشتگی مانع تحقق اهداف دشمنان شدند. داستان زیر نمونه‌ای کوچک از رنج‌هایی است که جوانان این سرزمین در دفاع از دین و میهن خود به جان خریدند:

در روزهای سرد زمستان ۶۴ کار سخت و فشرده‌ای برای آموزش نیروهای غواص به منظور شرکت در عملیات آغاز شده بود.



سرماي زمستان در کارون طاقت فرسا بود. حتی بیرون آب و با لباس هم از شدت سرما می‌لرزیدیم. سرما در آب مضاعف می‌شد، طوری که اگر کسی مدتی بی حرکت می‌ماند سرمازدگی او را از کار می‌انداخت. لباس‌های غواصی در فواصل آموزش خشک نمی‌شد و بچه‌ها مجبور بودند هر بار لباس‌های خیس را بر تن کنند. این کار هر شبانه روز سه بار (از ساعت ۸ تا اذان ظهر، از سه بعدازظهر تا اذان مغرب و از نیمه شب تا سه بامداد) تکرار می‌شد و در واقع هیچ‌گاه سرما از وجود بچه‌ها رخت بر نمی‌بست. باورش سخت بود که این نیروها که میانگین سنشان حدود هفده سال بود این گونه دوام بیاورند و این همه فقط با نیروی عشق ممکن بود و بس. در ساعات استراحت، عزاداری و سینه‌زنی یکی از برنامه‌های بچه‌ها بود که ترک نمی‌شد. عشق اهل بیت، خورشیدی در درون بود که با وجود حرارت آن، خشونت و سرما نمی‌توانست ما را از پای درآورد.

در آن جمع، محمود نوجوانی بود که حتی قبل از اینکه وارد آب شود از شدت سرما می‌لرزید و وارد آب که می‌شد عضله‌های پایش می‌گرفت. یک بار در مقابل چشمانم بیهوش شد. همه بدنش کرخت شده بود و قدرت حرکت نداشت. به سرعت از آب خارجش کردم. مدتی طول کشید تا حال خود را باز یافت. وقتی متوجه شد که بیرون آب است شروع کرد به گریه کردن که چرا نمی‌گذارید من هم غواصی را یاد بگیرم تا جزو غواصان خط شکن باشم...^۱

۱- برگرفته از کتاب لشکر خویان، خاطرات مهدی قلی رضایی.

جهاد با سرکشان: اگر در کشور اسلامی عده‌ای با گردن‌کشی در برابر قوانین، حکومت اسلامی را تضعیف کنند و به مبارزه مسلحانه با مأموران نظام اسلامی بپردازند، رهبر جامعه اسلامی با ملایمت به ارشاد آنان می‌پردازد و در صورت توبه و بازگشت، جامعه اسلامی آنها را می‌پذیرد و با لطف با آنان رفتار می‌کند. ولی اگر این افراد از مدارای جامعه اسلامی سوء استفاده کنند و به مبارزه خود با نظام اسلامی ادامه دهند و امنیت جامعه را به خطر اندازند، مسلمانان موظف‌اند با دستور حاکم اسلامی، به جهاد و مقابله با این افراد برخیزند و خطر آنان را از جامعه اسلامی دور کنند. این نوع از جهاد نیز نمونه‌ای از جهادهای دفاعی است.

جنگ حضرت علی علیه السلام با خوارج نهروان در صدر اسلام، نمونه‌ای از این نوع جهاد است. همچنین مبارزه نظام اسلامی با گروهک تروریستی منافقین نیز نمونه‌ای دیگر از جهاد با سرکشان است.



۲- جهاد ابتدایی: خداوند بزرگ در قرآن کریم می‌فرماید:

چرا در راه خدا و [برای نجات] مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی‌جنگید؟
این ناتوانان همان کسانی‌اند که می‌گویند: پروردگارا، ما را از این شهری که مردمش ستم‌پیشه‌اند بیرون ببر، و از نزد خود برای ما سرپرست و مددکاری قرار ده.
کسانی که ایمان آورده‌اند، در راه خدا مبارزه می‌کنند و کسانی که کافر شده‌اند، در راه طاغوت^۱ می‌جنگند. پس با هواداران شیطان بجنگید که نیرنگ شیطان ضعیف است.^۲

این آیات به روشنی، حاکمان زورگو و سرکشی را که مردم ناتوان را زیر سلطه خود نگاه داشته‌اند و نمی‌گذارند پیام خداوند به آنها برسد، هواداران شیطان می‌نامد. در این زمان لشکر اسلام موظف است — به دستور پیامبر و یا امام یا ولی مسلمین — با حاکمان شیطانی جهاد کند و مردم را از اسارت آنها نجات دهد و پیام خدا را به آنها برساند.

البته اسلام هرگز عقاید خود را به زور بر هیچ گروهی تحمیل نکرده است و تنها با سرنگون کردن حاکمان فاسد، پیام دین را به مردم می‌رساند و آنان را در پذیرش این پیام آزاد می‌گذارد. نبرد سپاه اسلام با حکومت‌های ایران و روم در صدر اسلام، نمونه‌هایی از جهاد ابتدایی اسلام است.

۱- مُسْتَضْعَف یعنی ناتوان نگاه داشته شده.

۲- شیاطین، بت‌ها، حاکمان ستمگر و هر معبودی به غیر از خداوند و هر مسیری که به غیر حق منتهی شود همه طاغوت است. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۲۸۰.

۳- سوره نساء، آیه‌های ۷۵ و ۷۶.



معین کنید که هر یک از نمونه‌های زیر به کدام یک از انواع جهاد مربوط‌اند.

- ۱- جهاد مردم فلسطین با اشغالگران صهیونیست
- ۲- جهاد مأموران نیروی انتظامی با اشرار و قاچاقچیان مسلح در کشور
- ۳- جنگ هشت ساله ایران در برابر ارتش صدام
- ۴- جهاد مردم مظلوم یمن در برابر حملات وحشیانه سعودی‌ها



کسب آمادگی برای دفاع

تا اینجا دانستیم که جهاد در راه خدا وظیفه همگانی و عبادتی ارزشمند است. اما آیا تا حالا فکر کرده‌اید که اگر دشمنان به صورت ناگهانی به کشور اسلامی ما حمله کنند، چه کسانی می‌توانند به دفاع از اسلام برخیزند و در این عبادت بزرگ شرکت کنند؟ افرادی که هیچ مهارتی در فنون رزمی و جنگی ندارند، چگونه می‌توانند در برابر دشمنان ایستادگی کرده و آنان را شکست دهند؟



خداوند حکیم در این باره می‌فرماید :

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ و هر چه در توان دارید برای

مقابله با آنها آماده کنید.

وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ
تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ^۱ از قبیل نیرو و اسب‌های ورزیده
تا با این کار دشمن خدا و دشمن

خودتان را بترسانید*

می‌دانید دشمنان در چه زمانی به خود جرأت می‌دهند به کشوری اسلامی حمله کنند؟
اگر کشوری در اوج آمادگی و مهارت‌های نظامی باشد، هیچ بیگانه‌ای خیال حمله به آن کشور را
در سر نخواهد داشت؛ بنابراین، آمادگی نظامی، علاوه بر پیروزی در جنگ، فایده مهم دیگری دارد که
همان ترساندن دشمن و جلوگیری از آغاز جنگ است. رسول اکرم ﷺ می‌فرماید :

سوارکاری و تیراندازی کنید (اگر تیراندازی کنید نزد من دوست‌داشتنی‌تر از
سوارکاری است). خداوند بلندمرتبه سه نفر را به واسطه یک تیر به بهشت می‌برد :

۱- مسلمانی که تیر را می‌سازد؛

۲- مسلمانی که برای رضای خداوند تیرها را تهیه می‌کند و به دست رزمندگان می‌رساند؛

۳- رزمنده‌ای که تیر را در راه خداوند به سوی دشمن پرتاب می‌کند.^۲



*آیه با ترجمه حفظ شود.

۱- سورة انفال، آیه ۶۰.

۲- کافی، ج ۵، ص ۵۰.



با دوستانتان در کلاس گفت‌وگو و بررسی کنید و بگویید که ما برای بالا بردن توان دفاعی خود در دنیای امروز، باید چه آموزش‌هایی را فرا بگیریم.

- ۱- اگر مردم کشوری که مورد تهاجم دشمنان قرار گرفته‌اند، از کشور خود دفاع نکنند، چه سرنوشتی در انتظار آنان خواهد بود؟
- ۲- جهاد دفاعی در چه زمانی و بر چه کسانی واجب است؟
- ۳- اگر در جامعه اسلامی، عده‌ای به مبارزه با نظام اسلامی بیردازند و امنیت مردم را به خطر بیندازند، مسلمانان چه وظیفه‌ای دارند؟
- ۴- با توجه به فرموده پیامبر ﷺ توضیح دهید که آیا در جهاد با دشمنان اسلام، پاداش خداوند تنها برای کسانی است که در میدان جنگ به مبارزه با دشمنان مشغول‌اند.

خودت را امتحان کن



پیشنهاد

وصیت‌نامه یکی از شهیدان را مطالعه کنید و نکاتی را که در این وصیت‌نامه برای شما مهم و جالب به نظر می‌رسد، برای هم‌کلاسی‌های خود بخوانید.

سرمایه‌ای از جوانی

مسابقه تیراندازی با شور و هیجان در حضور هشام بن عبدالملک، خلیفه ستمکار بنی امیه و بزرگان کشور ادامه دارد که نگهبانان، امام باقر را وارد می‌کنند. امام علیه السلام در گوشه‌ای می‌نشیند. هشام مدت‌ها دنبال فرصتی برای تحقیر امام بود و حالا این فرصت را به دست آورده است :

— ای ابا جعفر، بد نیست تو هم در مسابقه شرکت کنی!

امام علیه السلام می‌فرماید : ای هشام، بهتر است از من صرف‌نظر کنی که دیگر پیر شده‌ام.

— اصلاً! امکان ندارد! باید تیراندازی کنی!

امام که اصرار هشام را می‌بیند، کمان را می‌گیرد و تیری در کمان می‌گذارد و زه کمان را با قدرت می‌کشد تیر پر می‌کشد و در وسط هدف می‌نشیند. از آن جمعیت هیچ صدایی شنیده نمی‌شود. دهان‌ها از تعجب بازمانده‌اند.

یعنی درست می‌بینند؟! این تیراندازی یک پیرمرد بود؟!!

امام بدون آنکه سخنی بگوید بلافاصله تیر دوم را در کمان می‌گذارد و ...

باور کردنی نیست. هر تیر به پشت تیر قبلی می‌خورد و آن را می‌شکافد و به جای آن می‌نشیند.

نهمین تیر که در هدف می‌نشیند، امام علیه السلام کمان را به دست صاحبش می‌دهد و برمی‌گردد.

چشم‌ها به تیرهای درهم فرو رفته خیره مانده است. زبان هشام از تعجب بند آمده است، در حالی که سعی می‌کند خشمش را پنهان کند، بریده بریده و آرام می‌گوید : ... آفرین! آفرین ای ابا جعفر! تو این تیراندازی را از کجا آموختی؟

امام علیه السلام با آرامش می‌فرماید : جوان که بودم، گاهی تمرین می‌کردم.^۱



- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- صحیفه سجاده
- امالی صدوق، ابن بابویه، محمد بن علی، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
- بحار الانوار (ط- بیروت)، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، تحقیق: جمعی از محققان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ هـ / ۱۹۹۵ م.
- تحف العقول، ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق / ۱۳۶۳ ش.
- تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ناصر، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
- ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ابن بابویه، محمد بن علی، قم، دار الشریف الرضی للنشر، ۱۴۰۶ ق.
- حموی، یاقوت، معجم البلدان، بیروت، دارصادر، ۱۹۹۵ م.
- خصال، ابن بابویه، محمد بن علی، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
- سیر أعلام النبلاء، ذهبی، بیروت، الرساله، ۱۴۱۳ هـ / ۱۹۹۳ م.
- شرح نهج البلاغه، ابن أبی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، تحقیق ابراهیم، محمد ابوالفضل، قم، مکتبه آية الله المرعشي النجفی، ۱۴۰۴ ق.
- صحیفه سجاده، علی بن الحسین علیه السلام، قم، دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۶ ش.
- عیون أخبار الرضا علیه السلام، ابن بابویه، محمد بن علی، تحقیق مهدی لاجوردی، تهران، جهان، ۱۳۷۸ ق.

■ غررالحکم و درر الکلم، تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، تحقیق سید مهدی رجائی، قم، دارالکتاب الإسلامی، ۱۴۱۰ ق.

■ فیزیکدانان غربی و مسئله خدا باوری، مهدی گلشنی، تهران، کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۹ ش.

■ کافی، کلینی، محمد بن یعقوب، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ق.

■ کنز العمال في سنن الأقوال والأفعال، علاء الدين على المتقى بن حسام الدين الهندي.

■ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، نوری، حسین بن محمد تقی، تحقیق مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۸ ق.

■ مفاتيح الجنان، قمی، شیخ عباس.

■ من لا يحضره الفقيه، ابن بابويه، محمد بن علی، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.

■ میزان الحکمة، محمدی ری شهری، تحقیق دار الحديث، قم، دار الحديث، ۱۳۷۵ ش.

■ نهج البلاغه، شریف الرضی، محمد بن حسین، تحقیق صالح، صبحی، قم، هجرت، ۱۴۱۴ ق.

■ وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، تحقیق مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹ ق.



